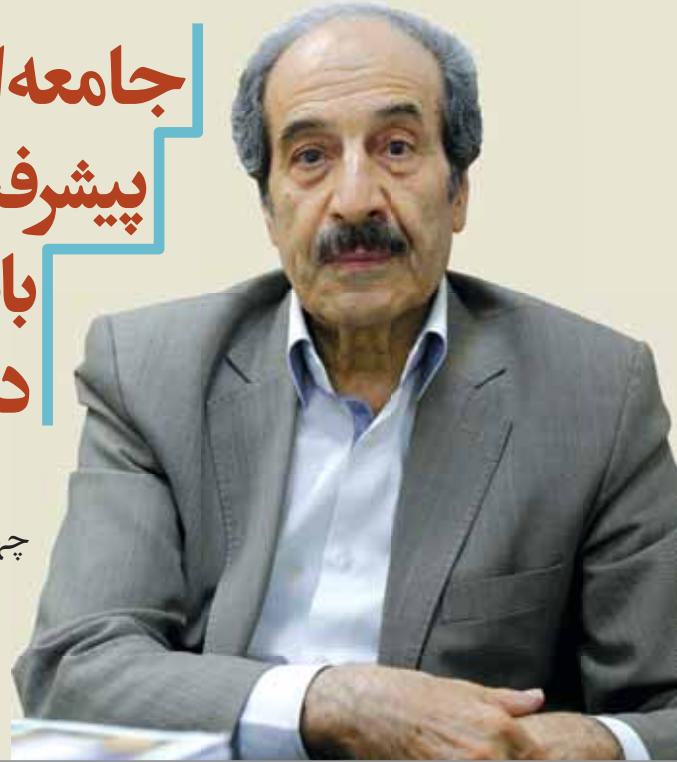


جامعه‌ای که می‌خواهد پیشرفت کند، باید معلمان قابل‌ی داشته باشد



گفت‌وگو با دکتر احمد مجد،
چهره‌ماندگار زیست‌شناسی کشور
و استاد دانشگاه خوارزمی

محمددشتی

عکس‌ها: هانف همایی

اشاره

دکتر احمد مجد را در دفتر کارش در دانشکده علوم زیستی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران ملاقات می‌کنیم. از همان ابتدای صحبت، بارزترین صفتی که از او در ذهنمان نقش می‌بندد و در لحظه لحظه این گفت‌وگو تکرار می‌شود، صفت معلمی است. نگاه نافذ، کلام آرام و متین و در عین حال سلیس و قاطع، توجه دقیق به صحبت‌های ما و ارائه پاسخ‌های دلنشین و حساب شده، فراز و فرودهای پسندیده سخن و تأثیرگذاری مداوم بر مخاطب، لبخند و چهره گشاده و مهربان و نهایتاً ادب و قدرشناسی که نسبت به شغل معلمی و معلمان دارد، فضای گفت‌وگوی صمیمی را به کلاس درسی آموزنده و دلنشین تبدیل می‌کند؛ به گونه‌ای که تب سؤال و پرسش‌های اولیه از استاد، فروکش می‌کند و به زودی پرسیدن جای خود را به شنیدن و گوش دادن به کلام قاطع و برهان‌های منطقی ایشان می‌دهد. حتی عکاس هنرمند مجله هم بعد از گرفتن چند فرم عکس از دکتر مجد و فضای کوچک، اما مملو از کتاب اتاق ایشان، فکورانده و دست به چانه چشم‌درچشم استاد می‌دوزد؛ مانند من مسحور و شیدای کلام دکتر احمد مجد می‌شود که بر ایمان معلمی می‌کند. لطفاً به حرمت معلمی این گفت‌وگو را به نیت شنیدن و نه تنها خواندن، مطالعه کنید.

■ آقای دکتر! ممنون که با همه

مشغله‌هایی که دارید، به مجله خودتان وقت دادید و این فرصت را فراهم کردید تا ما و مخاطبان مجله بتوانیم به بهانه انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش زیست‌شناسی دوباره پای صحبت‌های شما بنشینیم. از هر چه بگذریم، سخن دوست خوش‌تر است، پس از معلمی و از خودتان که نمادی از نسل معلمان موفق هستید، بر ایمان بگویید.

□ بسم الله الرحمن الرحيم. از حضور شما و ایجاد این فرصت برای گفت‌وگو بسیارمکرم و برای همه کسانی که در مسیر اعتلای مجله رشد آموزش زیست‌شناسی گام بر می‌دارند، آرزوی توفیق و سربلندی دارم. امید دارم این مجله همچنان که نام رشد را بر خود دارد، همواره خود نیز رو به رشد و تعالی و تأثیرگذاری بیشتر باشد و بتواند بیش از پیش در خدمت دبیران و معلمان تلاشگر زیست‌شناسی کشور باشد.



فرصت را مغتنم می‌شمارم و چون هنوز در همسایگی هفته معلم به سر می‌بریم، روز و هفته معلم را به همه معلمان خوب کشور، از دبستان تا دانشگاه که در مسیر و راه رو به سعادت تعلیم و تربیت و پرورش فرزندان این کشور تلاش و کوشش می‌کنند، صمیمانه تبریک عرض می‌کنم.

من تقریباً از ۱۸ سالگی کار معلمی را به صورت غیر رسمی شروع کردم. در آن زمان از من خواسته شد در دوره‌های تالیستانی در شهر خودم، محلات کلاس‌هایی را اداره کنم. زمانی هم که تحصیلاتم را در دانشسرای عالی تهران (دانشگاه خوارزمی فعلی) تمام کردم، چون تعهد خدمت دبیری داشتم، معلم شدم. بعد از آن هم چون احساس می‌کردم دانسته‌هایم نسبت به آنچه دانش‌آموزانم نیاز دارند، کم است و باید به دانشم بیفزایم تا خدمتگذار بهتری باشم، برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شدم. این در حالی بود که همه امکاناتی که برای اداره یک زندگی خوب لازم بود، در اختیارم بود و در آن زمان می‌توانستم در همان شرایط هم زندگی راحتی داشته باشم، اما احساس کردم که معلمی می‌تواند به من کمک کند تا ضمن فراگیری دانش و کسب سواد بیشتر، خدمتگذار مؤثرتری برای فرزندان این سرزمین باشم.

دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در دانشگاه پیر و ماری کوری پاریس در حضور و خدمت استادانی بسیار مبرز، از جمله پروفسور نوگارت و پروفسور روبرت گذراندیم و از دکترای خودم در زمینه سلولی و تکوین گیاهی با درجه افتخار آمیزی دفاع کردم.

استاد انگار در همه این مراحل هم به اصطلاح مرسوم، شاگرد اول بوده‌اید!

بله! می‌شود این طوری هم گفت. من در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد که نمرات جمع‌بندی می‌شد، رتبه اول بودم که این موضوع نشانه‌ای برای این امر است که می‌خواسته‌ام کار کسب علم و دانش و سواد را به بهترین شکلی انجام دهم و از همه طرفیت و توان خودم برای آموختن و بیشتر دانستن و کسب توانایی برای مؤثر واقع شدن استفاده کنم و تکالیفم را درست و با وجدان علمی انجام دهم.

عامل و دلیل اصلی موفقیت خودتان را چه چیزی می‌دانید؟ چه سهمی برای تلاش و کوشش خودتان قائل هستید؟

لطف خدا را که نباید فراموش کرد و حتماً اگر موفقیتی هست، در درجه اول خواست خداوند متعال و بعد هم ثمره زحمتی است که خانواده‌ام برای کسب و تحصیل علم کشیده‌اند و زمینه آن را فراهم کرده‌اند که بتوانم تا مدارج عالی تحصیلاتم را ادامه دهم و این توفیق را داشته باشم که پاسخ آن محبت‌ها را

تا حدی که برایم مقدور بوده به شایستگی بدهم و شکرگذار نعمتی باشم که خداوند بزرگ به همه بندگان خود و از جمله به بنده تفضل فرموده است.

بخشید کمی عجل هستیم، سهم معلمان تان چه می‌شود؟

به آن هم می‌رسیم. من واقعاً باید از معلمان خودم بخصوص معلمان دوره ابتدایی که بر گردن هر فردی که می‌تواند بنویسد و یا بخواند حق دارند، تشکر و قدردانی کنم و اعتراف کنم که هیچگاه نتوانسته‌ام آن‌گونه که شایسته مقام رفیع این عزیزان است، از آنان قدرشناسی و تشکر کنم. من به سهم خودم هیچگاه معلمانم را فراموش نمی‌کنم و همیشه به یاد دارم که نه سواد خواندن داشتم و نه سواد نوشتن. بنابراین معلمان دوره ابتدایی بنیان‌گذارانی هستند که خشت زیربنای شخصیت افراد را می‌چینند و ما هر آنچه داریم از نگاه محبت‌آمیز آنان و دست محبت و قلم لطفی است که این توانایی را به ما بخشیده‌اند تا بتوانیم بنویسیم و بخوانیم و به همه انسان‌ها مهر بورزیم.

چه شد بعد از تحصیلات عالی در فرانسه نماندید؟ انگار پیشنهادهای خوبی هم برای ماندن و تدریس در دانشگاه داشته‌اید؟

به همین دلیل علاقه به معلمی! آن هم معلمی در کشور و میهن خودم. بله من با همه زمینه‌های کاری و پیشنهادات و پست‌های خوبی که در دانشگاه پیر و مارکوری به من شد، علاقه‌مند بودم که به میهنم برگردم و به خدمتم در این کشور ادامه دهم. بعد از بازگشت از فرانسه وارد دانشگاه شدم و از سال ۱۳۵۶ تا کنون در خدمت دانشگاه‌های مختلف در ایران مشغول به خدمت به دانشجویان عزیز بوده‌ام و آرزو می‌کنم تلاشی را که انجام داده‌ام مورد رضایت خداوند مهربان و استفاده جامعه‌ای که متعلق بدان هستم قرار گرفته و ثمربخش بوده‌باشد.

نکته بنیادی و اساسی هم این است که کاری را که انجام داده‌ایم، منفعت و ثمره آن به جامعه و کسانی که باید آن خدمت به آنان ارائه شود رسیده باشد. می‌دانیم که شغل معلمی آنقدر ارزشمند بوده است که به عنوان شغل پیامبران قلمداد شده و واقعیت موضوع هم همین است که اگر جامعه‌ای بخواهد خوشبخت باشد، ترقی کند و پیشرفت داشته باشد، باید معلمان خوب و قابلی داشته باشد. این معلمان رده‌های مختلف هستند که گردانندگان چرخ‌های پیشرفت و سعادت جامعه را پرورش می‌دهند و این کار از دست هیچ کس دیگری ساخته‌نیست.

من با همه زمینه‌های کاری و پیشنهادات و پست‌های خوبی که در دانشگاه پیر و مارکوری به من شد، علاقه‌مند بودم که به میهنم برگردم و به خدمتم در این کشور ادامه دهم

■ **معلمی هم وجه مادی دارد و هم وجه معنوی و شأن و جایگاه اجتماعی. چه باید کرد که همه این‌ها با هم متعادل پیش برود و معلم و معلمی در جایگاه واقعی خود قرار گیرد؟**

□ به موضوع خوبی اشاره کردید! شاید بتوان گفت پاسخ این سؤال در خود سؤال است. همان تعادلی که اشاره کردید خیلی مهم است. یعنی هم وظیفه‌مداری باید از سوی معلمان رعایت شود و هم حقوق مادی و معنوی معلم پرداخت شود. یادم هست که سال‌ها پیش در شوروی سابق پزشکان از دولت وقت به دلیل آن که حقوق و مزایای آنان را به سطح حقوق و مزایای معلمان آن کشور رسانده‌اند، تشکر و قدردانی کردند. کمی دقت لازم است که این موضوع را به جامعه خودمان انطباق دهیم و ببینیم نسبت ما با این موضوع چیست؟ اگر چه در گفتار و شعار بارها و بارها تلاش می‌کنیم که حرمت معلمان محترم را حفظ کنیم، اما باید دید در جریان عمل تا چه حد پای‌بند این شعارها و گفته‌های خودمان و به فکر رفاه مادی، فکری و معنوی و حفظ شأن معلمان محترم هستیم.

یادمان باشد که این جمعیت قشر بزرگی از جامعه شریف کشور ما هستند و نمی‌توان به بهانه اینکه تعداد آنان زیاد است، از پرداخت حق و حقوق آنان غافل شد. البته، نه اینکه نشود، اما اگر غافل شدیم باید منتظر تبعات چنین کاری هم باشیم. نباید فراموش کنیم که اگر تعداد معلمان ما زیاد است، دلیلش ضرورت و نیازهای تربیت و تعلیم و پرورش یک نسل است و این قشر بزرگ از جامعه اثرهای خود را در درازمدت می‌گذارند و اساساً تعلیم و تربیت و کارهای بزرگ و مؤثر نیاز به صبوری، کمک و همدلی دارند تا کاری مثل معلمی و تربیت و پرورش یک نسل به ثمر بنشیند. همه نسبت به معلمان مسئول هستند و کسانی که در سمت‌های بالای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور قرار دارند، مسئولیت بیشتر و مستمری دارند و باید گاه‌گاهی از خودشان سؤال کنند که مهارت‌هایشان را چگونه و جا و مدارکشان را کی و با زحمت و تلاش و خون دل خوردن چه کسانی به دست آورده‌اند؟ آیا امروز مسئول و مدیر و رئیسی وجود دارد که روزی سر کلاس و در محضر درس معلمی ننشسته باشد و معلم نادیده به سمت و مسئولیتی رسیده باشد؟

آیا مدیر، مسئول و رئیس و شخص کارآمدی سراغ داریم که فرزندان او از معلم و درس و مدرسه بی‌نیاز باشند؟ آیا اگر معلمان ما نبودند ما می‌توانستیم با سواد شویم و هر کدام و در هر جا و مقامی که هستیم، قرار داشته باشیم؟

من که شخصاً افتخارم این است که به عنوان یک معلم سال‌ها در جامعه کار کرده‌ام و امیدم بر این است این تلاش‌ها ابتدا مورد رضایت خداوند و نهایتاً

مورد استفاده جامعه‌ای که متعلق بدان هستیم، قرار گرفته باشد و من هم توانسته باشم به سهم و به قدر توان خودم گامی هر چند کوچک برای آماده‌سازی نیروی انسانی مورد نیاز جامعه در حرفه خودم برداشته باشم. من همه این آرزوهای خوب را برای همه معلمان هم دارم، یعنی اگر امروز از خودم حرف می‌زنم، منظورم یک معلم است که معلمی را افتخار خود می‌داند و حرفم حرف همه معلمان است که به سعادت، پیشرفت و توسعه و رشد این جامعه می‌اندیشند.

واقعیت آن است که ما در سال‌های اخیر به دلیل این که مسائل مادی و حقوق و مزایای پرداختی در حد و شأن معلمی نیست، مشکلاتی را بر سر راه و میزان تأثیرگذاری این حرفه شریف قرار داده‌ایم.

■ **اشاراتی هم در صحبت‌های شما بود و به نظر می‌رسد معلم بودن همیشه و به خصوص در این زمانه الزاماتی دارد که باید باشد تا بتوان انتظار داشت، معلم بتواند تأثیر لازم را بگذارد. نظر شما در این خصوص چیست؟**

□ همین‌طور است. این یک معادله دو سویه است و نمی‌توان به این الزامات هم بی‌توجه بود. در حال حاضر در بسیاری از کشورها و جوامع ورود به حرفه معلمی اصلاً کار آسانی نیست، آزمون‌های خاص و حرفه‌ای خود را دارد و هر کسی هم نمی‌تواند به آسانی به عنوان معلم وارد کلاس درس شود. معنای این حرف این است که همان‌گونه که برای این شغل جایگاه و شأن قائل می‌شوند، به همان میزان هم این کار سخت و طاقت‌فرساست و این امر یک معادله دو طرفه است؛ یعنی همان‌گونه که معلم شأن و جایگاه بالایی دارد، وظایف، الزامات و ویژگی‌های خاصی هم دارد که باید بدان‌ها متصف باشد تا بتواند وظایف خود را به شایستگی و مؤثر و مفید انجام دهد.

همین امر و حساسیت این کار باعث شده است تا آزمون‌های خاصی برای شغل معلمی وجود داشته باشد و اهمیت این امر آن قدر بالاست که افراد بعد از گذراندن دوران سخت کاری و مسئولیت‌های زیادی که برعهده می‌گیرند، روی کارت خود می‌نویسند که من دوره خاص معلمی را هم گذرانده‌ام و «پذیرفته‌شده آزمون ورود به معلمی» هستم. یعنی چنین آزمونی آن چنان از حد و سطح بالایی برخوردار است که منتخبان آن افراد بسیار موجهی هستند و موضوع آن قدر اهمیت دارد که حتی یک وزیر بعد از آن که مسئولیت‌های مهم از جمله وزارت یک سازمان، نهاد و یا وزارتخانه را می‌پذیرد و طی می‌کند یا افتخار روی کارت خود می‌نویسد: «پذیرفته‌شده آزمون ورود به معلمی» هستم.

من که شخصاً
افتخارم این
است که به
عنوان یک
معلم سال‌ها
در جامعه کار
کرده‌ام و امیدم
بر این است این
تلاش‌ها ابتدا
مورد رضایت
خداوند و نهایتاً
مورد استفاده
جامعه‌ای که
متعلق بدان
هستیم، قرار
گرفته باشد

■ **خب استاد! اطلاع دارید که ان شاء...**
در آغاز سال تحصیلی آینده؛ یعنی در
مهرماه ۱۳۹۴ سی سالگی و انتشار صدمین
شماره مجله رشد آموزش زیست‌شناسی
را جشن خواهیم گرفت. در این زمینه هم
برایمان صحبت کنید.

□ **بله! رفتیم توی حوزه معلمی و مجله یادمان**
 رفت. امروز و اینجا خوشحالیم که اعلام کنیم
 مجله رشد آموزش زیست‌شناسی سی ساله شده
 است و ان شاءالله تا چند ماه دیگر به مبارکی و
 میمنت شاهد انتشار صدمین شماره آن خواهیم
 بود. من خرسندم که در آغاز این راه سهم کوچکی
 داشته‌ام و توانسته‌ام از همان ابتدا در جلساتی که
 برای پا گرفتن انتشار آن برگزار می‌شده، حضور
 داشته باشم. خوب یادم هست که آن سال‌ها گاهی
 اوقات با همان امکانات کمی که وجود داشت،
 ولی با انگیزه، عشق و علاقه‌ای که بنده و دیگر
 دوستان داشتیم اتفاقات خوبی افتاد و پایه‌های
 انتشار یک مجله معتبر و مقبول مخاطبان هم از
 لحاظ صاحب‌نظران و اندیشمندان این حوزه و هم
 معلمان گرامی، گذاشته شد. اکنون هم با ارتباطی
 که داشته‌ام و اطلاعی که نسبت به مجله رشد
 آموزش زیست‌شناسی دارم، می‌توانم ادعا کنم که
 در ادامه کار و تا همین آخرین شماره‌های مجله
 که موفق به مطالعه آنها شده‌ام، همان دقت و
 حساسیت و وسواس لازم به کار گرفته شده تا
 مسیر روشنی که برای این کار مشخص شده
 است، تداوم داشته باشد و مجله روال و مسیر

مورد انتظار خود را برابر با شاخص‌ها و انتظاراتی
 که برای آن تنظیم و تعیین شده است، طی کند.
 گاهی اوقات من یک حساب مختصر در مورد بُعد
 کمی مجله داشته‌ام، البته در ابتدا به کیفیت کار
 هم اشاره کردم و آن محاسبه هم این بوده است
 که یک مجله‌ای که ۱۰۰ شماره منتشر کرده است
 و اگر در هر شماره آن به طور متوسط ۸ موضوع
 علمی و آموزشی و تخصصی در باره زیست‌شناسی
 و موضوعات مرتبط با اهداف مجله منتشر شده
 باشد و ما متوسط تیراژ مجله را هم ۱۰۰۰۰
 شماره محاسبه کنیم، برای حدود ۸۰۰۰۰۰۰ نفر
 موقعیت یادگیری فراهم شده و اگر هر کس که
 این مطالب را خوانده‌باشد، یک نفر دیگر را هم به
 مطالعه و خواندن دعوت کرده باشد، این عدد به دو
 برابر یعنی ۱۶۰۰۰۰۰۰ خواهد رسید که اصلاً کار
 کمی نیست و حکایت از تأثیر و ارزشمندی چنین
 مجله‌ای دارد. از سویی دیگر دوام چنین مجله‌ای در
 طول سی سال و صد شماره و انتشار مستمر و مداوم
 آن هم نشان از جایگاه و اهمیت آن دارد که این
 مجله توانسته است با اقبال مخاطبان به طور مرتب
 و منظم انتشار یابد و از نگاه من این موضوع نشانگر
 و ناشی از حقانیت مجله است و باید قدردانی شود.
 پس می‌توان گفت موضوعات ارزشمندی که در این
 مجله و برای مخاطبان منتشر شده است، مطالب
 و متون مفیدی بوده‌اند که مورد استفاده آنان قرار
 گرفته‌اند و ضمن جلب نظر و رضایت و همراهی
 مخاطبان باعث تداوم و استمرار انتشار مجله رشد
 آموزش زیست‌شناسی شده است.



دوام چنین
مجله‌ای در طول
سی سال و صد
شماره و انتشار
مستمر و مداوم
آن هم نشان از
جایگاه و اهمیت
آن دارد

■ صادقانه و بدون تعارف‌های مرسوم

نظر تان را در مورد مجله بفرمایید!

من معمولاً مقالات مجله را می‌خوانم، اما گاهی که فرصت می‌کنم و مقالات مجله را با دقت بیشتری می‌خوانم، می‌بینم که واقعا مقالات ارزشمند و دارای سطح بالا و خوبی دارد. اما به نظرم می‌آید که اگر می‌خواهید که استقبال بیشتری از مطالب و مقالات مجله به عمل آید، باید در کنار مقالات علمی که سطح خوب و بسیار بالایی هم دارند، به جنبه‌های ترویجی و کاربردی مجله هم توجه بیشتری داشته باشید، کما اینکه در شیوه و رویکرد مجله هم رویه علمی و ترویجی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. این باعث خواهد شد که مخاطب به نیاز خودش در مجله برسد و بیشتر با ما همراه شود. شما شاهد هستید که در حال حاضر از بحث تبدیل علم به ثروت خیلی صحبت می‌شود و گاه هم بحث می‌شود که آیا باید توفان چنین نظری بر پا باشد یا باید کم‌کم این نگاه کار خودش را بکند، اما آنچه در این خصوص مهم است، این است که توجه داشته باشیم مخاطب ما نیاز دارد تا از طریق مطالب مجله به نیازهای خودش هم برسد، حالا ممکن است این مطلب برایش تولید ارزش هم بکند، یا ممکن است در آینده به کارش بیاید و در عمل او را برای کاری که دارد یاری کند. پس نتیجه این حرف من این است که شما باید جنبه‌های کاربردی مجله آموزش زیست‌شناسی را افزایش دهید و آن را به وسیله‌ای کارآمدتر برای مخاطبان و به خصوص معلمان عزیز تبدیل کنید.

از نگاهی دیگر مجله در شکل خودش و با توجه به تنوع مطالب، متون علمی، عکس‌ها و تصویرگری‌های خوبی که دارد، تاثیر خودش را می‌گذارد، ولی همیشه جا برای کار بیشتر و بهتر هست و حالا که شما توانسته‌اید آن را به شماره ۱۰۰ برسانید، تلاش کنید که در سده دوم عمر مجله بر کیفیت آن هم به لحاظ متن - با همان کیفیتی که اشاره کردیم - و هم به لحاظ فنی و نگاه زیبایی‌شناسانه بیشتر و مؤثرتر کار کنید.

یادمان باشد که سرمایه‌گذاری در چنین کارهایی برنامه‌ریزی برای ساختن آینده است و نیاز به همت و تلاش مضاعف و صبوری و مداومت دارد و اگر اعتقاد داریم که امر تعلیم و تربیت و پرورش اثرگذار است، هیچگاه نباید از تلاش و فعالیت در این زمینه خسته شویم و یا خدای ناکرده در این امر مهم سهل‌انگاری و کم‌دقتی کنیم، زیرا به همان میزان که کار و عمل درست در این زمینه تاثیرگذار و با اهمیت است، کار نادرست و یا ناقص می‌تواند خسارت‌زا و آسیب‌رسان باشد و سرنوشت و آینده نسلی را تباہ کند و شما هم باید دقت داشته باشید که به همان میزان سهم مجله رشد آموزش زیست‌شناسی در این کار مؤثر و

نقش‌آفرین باشید.

شک نداشته‌باشیم که اثر چنین کاری حتماً به جامعه باز خواهد گشت و البته بازگشت این اثر مانند فروش کالای تجاری نیست که بشود در پایان آن ماه آمار گرفت و با محاسبه سود و زیان اثر سرمایه‌گذاری در آن را سنجید، این امر نیاز به





و با گسترش دامنه خود مخاطبان بیشتری را تحت پوشش قرار دهد و دامنه نفوذ و اثرگذاری علمی و آموزشی و کاربردی خود را تا آن حدی که ممکن است، افزایش دهد.

■ **از نگاه شما مجله فراتر از نقش آموزشی و مقالات علمی و کاربردی که دارد، در زمینه مسائلی که به نوعی مشکل نوع انسان تلقی می‌شوند و نیاز به توجه عام و فوری دارند، چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟**

□ به گمانم اشاره شما به نقش رسانه‌ای و عام مجله است. هر جا هستیم فراموش نکنیم که انسان هم مانند همه گونه‌های زنده، گونه‌ای است که در مجموعه‌ای از اکوسیستم‌ها و محیط زیست (که فعلا اسم آن کره زمین است)، زندگی می‌کند. در سال‌های اخیر شاهدیم که بی‌توجهی نسبت به مسائل زیست محیطی، چه مشکلاتی برای گونه انسان پدید آورده است و قهری که به طور نسبی با طبیعت انجام شده و کم‌توجهی‌ای که صورت گرفته است، آثار منفی خود را به شکل گسترده نشان داده است. در چنین شرایطی انسان که صاحب عقل و فکر و منطق است باید به نتایج این کم‌توجهی‌ها دقت کند و قبل از آن که دیر شود کاری انجام دهد. انسان فکور و منطقی خوب می‌داند که اگر با طبیعت سرآشتی نداشته باشد، باید هزینه آن را هم بدهد و شما هم

برنامه‌ریزی، مداومت و صبوری دارد و با تعجیل و تهییج و تبلیغ سازگاری زیادی ندارد.

گمان من این است و اعتقاد دارم که دوستانی که در وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، عهده‌دار و متولی انتشار مجموعه مجلات رشد و از جمله رشد آموزش زیست‌شناسی هستند، با برنامه‌ای روشن و نگاهی مثبت کار تولید و انتشار مجلات را مدیریت کرده و پیش برده‌اند و به همین جهت هم این مجلات نسبت به ۵۰ سال قبل و زمانی که مجلات پیک به عنوان آغازگر این راه منتشر شده‌اند از ۵ یا ۶ مجله به چیزی حدود ۳۰ تا ۳۵ عنوان مجله بالغ شده است و اخیراً هم شاهد هستیم که تعدادی از این مجلات با گذر از سی‌سالگی انتشار صدمین شماره خود را جشن می‌گیرند و امید و برنامه دارند تا سده دوم خود را بر نگاه و نقشه و برنامه‌های روشن‌تری دنبال کنند. البته که اگر برنامه‌ها دقیق‌تر و نگاه‌ها هم مثبت‌تر باشد، بازدهی آن هم بیشتر خواهد بود.

الان هم طبیعتاً با همکاران محترم دانشگاهی و دبیران و معلمان فرهیخته و کسانی که مطالب و مقالات خود را برای مجله ارسال می‌کنند و آنچه مجله به عنوان روند کلی خود طی کرده است، در مجموع روند رو به رشد، مناسب و خوبی بوده است و من آرزو دارم که مجله نه‌تنها دوام و قوام خود را حفظ کند، بلکه امیدواریم روز به روز گسترده‌تر شود

انسان فکور و منطقی خوب می‌داند که اگر با طبیعت سرآشتی نداشته باشد، باید هزینه آن را هم بدهد



به سهم خودتان می‌توانید در مجله رشد آموزش زیست‌شناسی با معلمان و مخاطبان خود سخن بگویید و مسائل مهمی را که در این خصوص اولویت دارند به معرض نگاه و قضاوت و داوری اندیشمندان بگذارید و نتایج و نظرات حاصل این تعامل را با نگاهی علمی، آموزشی و تحلیلی و کاربردی در اختیار معلمان، دانشجویان و مخاطبان خود قرار دهید تا آنان هم به نوبه خود این تذکرها و یادآوری‌ها را برای دانش‌آموزان و مخاطبان خود داشته باشند و بتوانیم در این راستا هم تا آنجا که ممکن است به عنوان یک رسانه که مخاطبان مشخص و مؤثری دارد، وظیفه خودمان را در موضوعاتی مانند محیط زیست و حفاظت از مکان و محل زیست به نحو احسن انجام دهیم. اگر رعایت مسائل زیست محیطی را نکنیم و علاقه‌مندی به حفظ میراثی که محیط زیست برای زندگی ما فراهم آورده است، نداشته باشیم، بدون شک با مشکل مواجه خواهیم شد.

■ برای تقریب به ذهن می‌توانید به نمونه‌ای هم در این خصوص اشاره کنید که موضوع بهتر تبیین شود؟

□ بله عرض می‌کنم. زمانی شنیدم که در برخی مراکز که به کار ماهیگیری اشتغال دارند، شبکه‌های تور ماهیگیری را آن قدر ریز کرده‌اند که هیچ ماهی‌ای، ولو کوچک و ریز نمی‌تواند از آن عبور و فرار کند؛ حتی ماهی‌هایی هم که ریز و غیر قابل استفاده‌اند در این تورهای افتند و نهایتاً تلف و به دور ریخته می‌شوند. خب چنین کاری چه توجیهی دارد و مگر می‌تواند معنایی جز بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی داشته باشد. این تنها ذکر یک نمونه بود، اما آیا فکر نمی‌کنیم که با چنین برخوردهایی با محیط زیست و نعماتی که در اختیار ما قرار گرفته است چه بلایی بر سر خودمان و نعمت‌های الهی می‌آوریم؟ آیا فرد و یا جمعی که چنین کاری می‌کند، از خود نمی‌پرسد با چنین استفاده بی‌رویه و غیر منطقی‌ای از محیط زیست و فرآورده‌های محیطی در چند سال آینده چه سرمایه‌ای از این نعمت پایان پذیر برای فرزندان آن‌ها و نسل‌های بعدی باقی خواهد ماند؟ آیا با این گونه بی‌توجهی‌ها خواهیم توانست میراث خوبی ناشی از عمل خود را در زمینه‌های مختلف برای فرزندان و نسل‌های بعد از خود باقی بگذاریم؟ آیا تاکنون اندیشیده‌ایم که با چنین رویکردی ما برای نسل آینده جز خرابی و خسارت چه چیزی باقی خواهیم گذاشت! این مسائل هم موضوعات مهمی هستند که ظرفیت پرداختن بدان‌ها در مجله وجود دارد و این زمینه را هم فراهم می‌کند تا مخاطب عام مجله و حتی خانواده‌های معلمان که این مجله در اختیارشان قرار می‌گیرد از آن بهره

برند و دایره تأثیرگذاری آن بیشتر شود. مسائلی هم که به نمونه‌هایی از آن اشاره کردم، از نوع و جنس رفتارهای فرهنگی و نهادینه شده هستند و تغییر آن‌ها هم کار آسانی نیست و به همین دلیل کار رسانه‌ای و کاری که از طریق رسانه‌ای مثل مجله رشد آموزش زیست‌شناسی انجام خواهد شد، کاری اثر بخش خواهد بود. از طرف دیگر، چون آموزش در چنین کارهایی می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد، نقش آموزشی و فرهنگ‌سازی مجله هم می‌تواند در چنین کاری مؤثر باشد، کما این که تا کنون هم در این خصوص اقداماتی انجام شده و آموزش‌هایی هم صورت گرفته است، اما به دلیل ضرورت‌هایی که وجود دارد، لازم است بیشتر بدان‌ها پرداخته شود.

■ سؤالی که می‌تواند سؤال آخر ما باشد - البته اگر موضوعی هست که در سؤالات مطرح نشد و نیاز هست بدان پرداخته شود را هم خواهید فرمود - چرا نسل شما آماده‌تر، تأثیرگذارتر و در زمینه کارهایی مانند معلمی، آموزش و تأثیرگذاری بر مخاطبان موفق‌تر بود؟

□ شما نسبت به بنده و نسلی که متعلق بدان هستم لطف و حسن نیت دارید. ان‌شاء... که این گونه باشد. گمان می‌کنم که در تربیت نسل ما و تأثیرگذاری این نسل بر مخاطبان اثر داشت، ایجاد فضای کار عملی و محیطی است که هم باید مورد توجه مسئولان آموزش و پرورش و هم مورد توجه معلمان عزیز قرار گیرد. آموزش زیست‌شناسی تنها در کلاس درس و بیگانه با محیط و فضای واقعی نمی‌تواند آن تأثیر مطلوبی را ما که در آموزش در این زمینه به دنبال آن هستیم، داشته باشد و نیاز هست که بتوانیم فضای کار عملی و به خصوص مشاهده را برای دانش‌آموزان و دانشجویان فراهم کنیم. این کار ضمن این که آموختن و کسب دانش در این زمینه را راحت‌تر و دلپذیرتر خواهد کرد، کمک خواهد کرد تا مخاطب و یادگیرنده ارتباط بیشتری با موضوعات برقرار کند و بالمس و مشاهده آنچه پیرامون او می‌گذرد و به خصوص با آشنایی با زیبایی‌ها و رموز خلقت و پیچیدگی‌هایی که حتی در پدیده‌های به ظاهر ساده وجود دارد، انسان آگاه و در نتیجه مسئول تری بار بیاید و نقش فردی، اجتماعی و حتی جهانی خود را بهتر و بیشتر ایفا کند. آرزوی منم که جامعه بزرگ معلمان کشور در تمام سطوح ان‌شاء... با امید، سخت کوشی و موفقیت کارشان را ادامه دهند و ما باز هم شاهد بر صدر نشستن علم و دانش و معلمی باشیم و برای همه دست‌اندرکاران، پدیدآورندگان و کسانی که برای انتشار مجلات رشد و به خصوص مجله رشد آموزش زیست‌شناسی تلاش و کوشش صادقانه و مؤثر می‌کنند، آرزوی سلامت و موفقیت و پیروزی دارم.

**اگر رعایت
مسائل زیست
محیطی را نکنیم
و علاقه‌مندی به
حفظ میراثی که
محیط زیست
برای زندگی ما
فراهم آورده
است، نداشته
باشیم، بدون
شک با مشکل
مواجه خواهیم
شد**